



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

فاز جدید جنگ نفتی و شکست سیاست‌های یکجانبه گرایانه آمریکا (۲)



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب‌سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: فرشته مقدم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	نکات برجسته
۳	مقدمه
۳	دوشنبه سیاه
۴	گریزی به دو بحران نفتی
۴	۱. بحران نفتی ۱۹۷۳
۴	۲. بحران انرژی سال ۱۹۷۹
۵	وجه تمایز دو بحران نفتی گذشته با بحران نفتی ۲۰۲۰
۶	بازیگران نفت و گاز
۷	بزرگترین ذخایر نفتی جهان
۱۰	وزن و ثلا و پالایشگاه های خاموش
۱۱	هدف اصلی واشنگتن از سیاستهای اعمالی در جنگ نفتی
۱۱	سیاست سلطه انرژی
۱۳	جمع بندی
۱۴	کلام آخر

پژوهش
بحرین
معاونت سیاسی
صدا و ستار

- اعمال "سیاست سلطه انرژی" دولت ترامپ در بحث انرژی در قبال کشورهای سنتی تولید کننده نفت
- نتایج متفاوت دوشنبه سیاه در "بلند مدت" و "کوتاه مدت" برای اخلاص گران بازار انرژی
- "تحولات منطقه ای" و "یکجانبه گرایی"؛ وجه تمایز دو بحران نفتی گذشته با بحران نفتی ۲۰۲۰
- وجود بازیگران متعدد در حوزه نفت و گاز
- وابستگی پالایشگاه‌های کشورهای تولیدکننده نفت به آمریکا؛ دلیل اصلی ضعف این کشورها
- "سلطه انرژی"، هدف اصلی واشنگتن از سیاست‌های اعمالی در جنگ نفتی
- سه چالش بزرگ آمریکا در حوزه انرژی: "نامرغوب بودن"، "نامتعارف بودن" و "محدود بودن مدت زمان بهره‌برداری از آن"،
- تبادل اقتصادی فرآورده نفتی ایران با ونزوئلا، آغازگر عدم وابستگی پالایشگاه-های کشورهای بزرگ تولید کننده نفت به آمریکا
- استراتژی جدید جمهوری اسلامی ایران در جنگ نفتی: "گفتمان مقاومت فعال"

مقدمه

"رقابت و جنگ نفتی" اخیر با ورود نفتکش "فورچون" اولین شناور حامل سوخت ارسالی از ایران به حریم آبهای سرزمینی ونزوئلا، وارد فاز جدیدی شد. موضوع به زمانی باز می‌گردد که دولت راست افراطی آمریکا به ریاست دونالد ترامپ با رفع تحریم ونزوئلا یا کاهش موقت تحریم‌ها برای کاستن از میزان تلفات انسانی مردم ونزوئلا مخالفت کرد. قبل از آن "مایک ریان" کارشناس بلند پایه سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده بود که آمریکای جنوبی کانون جدید ویروس کروناست و از نظر ابتلا و قربانی بیش از مناطق دیگر آسیب دیده است. اما این تمامی ماجرا نبود چرا که پس از آن جمهوری اسلامی ایران ۵ فروند نفتکش با بیش از یک میلیون بشکه بنزین و سوخت به حوزه کارائیب و ونزوئلا ارسال کرد. در واقع تهران با این اقدام نه تنها در صدد صادرات نفت که به دلیل بحران کرونا و تاثیر تحریم‌های آمریکا به پایین‌ترین حد رسیده بود، برآمد بلکه اقتدار ایران را در مواجهه با ورود "اخلال گران بازار نفت" به نمایش گذاشت.

آمریکایی‌ها در ورطه کنونی برای کنترل بازار جهانی نفت تلاش می‌کنند تا ابزارهای قدرت کشورهای سنتی تولید کننده نفت را در عرصه بین‌المللی بگیرند تا با از میدان به در کردن این کشورها، خود جایگزین آنها شوند. به واقع هدف اصلی دولت ترامپ با این اقدامات نامتعارف در بحث انرژی، در قبال کشورهای تولیدکننده نفت و به‌ویژه کشورهایی که با آنها زاویه دارد، چیست؟ واشنگتن که بیش از ۶۰ درصد بودجه‌های خود را بر پایه نفت و درآمدهای نفتی می‌بندند، پس از تبدیل شدن به یک تولیدکننده نفت خام از بازار نفت جهان چه به ارث خواهد برد؟ قبل از پاسخ به این سؤالات، مروری بر برخی رخدادها و عوامل مؤثر در این حوزه، ضروری به نظر می‌رسد.

دوشنبه سیاه

پس از این که دولت آمریکا نتوانست نگرانی‌های بازار در مورد تأثیرات اقتصادی شیوع کرونا را تسکین دهد، سقوط اولیه شاخص‌های سهام ادامه یافت و در پایان، سقوطی تاریخی را به ثبت رساندند. بازارهای نفت دنیا روز دوشنبه ۲۰ آوریل (اول اردیبهشت)، شاهد پدیده‌ای بی‌سابقه در تاریخ شد و قیمت نفت آمریکا برای تحویل در ماه می تا منفی ۳۷ دلار پیش رفت. بدین معنا که تولیدکنندگان آمریکایی نه تنها آماده تحویل رایگان محموله‌های نفتی به مشتریان بودند، بلکه پول پرداخت می‌کردند تا محموله‌ها را به اصطلاح "رد کنند".

برای پیش آمدن چنین وضعیتی باید به تولید روزانه حدود ۱۲ میلیون بشکه نفت آمریکا اشاره کرد. این تولید در حالی ادامه داشت که شیوع کرونا تقاضای نفت را هم در آمریکا و هم در جهان به حدی کاهش داده است که به عبارتی مشتری برای آن وجود ندارد. در چنین مواقعی، معمولاً دولت آمریکا نفت مازاد و بی‌مشتری را از تولیدکنندگان می‌خرد و انبار می‌کند، اما انبارهای ذخیره‌سازی آمریکا نیز اشباع شده بود.

از طرفی طی ماه‌های گذشته، روزانه ۳۰ میلیون بشکه نفت مازاد در جهان به بازارها سرازیر شده و عملاً احتیاجی به نفت تولیدی آمریکا در دیگر کشورها نبود. در این وضعیت تنها دو راه پیش روی تولیدکننده باقی می‌ماند؛ "قطع تولید" و یا "فروش رایگان و حتی دادن پاداش به مشتری". به همین دلیل بخشی از

تولیدکنندگان آمریکایی به مشتریان ۳۷ دلار به ازای هر بشکه پاداش دادند تا این نفت را تحویل بگیرند. البته چند ساعتی بعد از افت قیمت نفت آمریکا به منفی ۳۷ دلار، دوباره قیمت‌ها به منفی ۲۶ دلار افزایش یافت و حتی قیمت آن برای تحویل در ماه ژوئن به بالای ۲۰ دلار رسید.

همواره باید در نظر داشت که با وجود اینکه صنعت انرژی آمریکا یک عامل اصلی در حمایت از اقتصاد این کشور است و ۱۰ میلیون شغل و ۸ درصد تولید ناخالص داخلی آمریکا را تضمین می‌کند اما وابستگی این کشور به نفت در مقایسه با کشورهای اوپک کمتر است.^۱

گریزی به دو بحران نفتی

بحران نفت سال ۱۹۷۳

بحران انرژی سال ۱۹۷۹

۱. بحران نفتی ۱۹۷۳

این بحران در واقع پاسخی به دخالت و کمک‌های نظامی آمریکا به رژیم اسرائیل در جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ بود. ۶ روز پس از این دخالت، مصر و سوریه کمپین نظامی علیه رژیم اسرائیل را تأسیس کردند تا مرزهای از دست داده شده در جنگ ۶ روزه در ماه جون سال ۱۹۶۷ را دوباره به دست بیاورند. در پاسخ به این عمل، اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت عربی OAPEC^۲ ممنوعیت و تحریم نفت را علیه کانادا، ژاپن، هلند، انگلستان و آمریکا اعلام کردند. با پایان یافتن تحریم‌های در مارس سال ۱۹۷۴، قیمت نفت از بشکه‌ای ۳ دلار به حدود ۱۲ دلار افزایش یافت. بحران نفت یا به عبارتی شوک نفتی تأثیرات و عواقب کوتاه‌مدت و بلندمدت بسیاری را روی سیاست‌های جهانی و نیز اقتصاد جهانی گذاشت که بعدها با نام نخستین "شوک نفتی" خوانده شد.

۲. بحران انرژی سال ۱۹۷۹

بحران ۱۹۷۹ یا دومین "بحران نفتی" در ایالات متحده آمریکا در نتیجه کاهش تولید نفت پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران رخ داد. به رغم این که منابع نفت جهانی فقط حدود ۴ درصد کاهش یافت، وحشت گسترده باعث شد قیمت نفت بسیار بالاتر برود. قیمت نفت خام به ۳۹/۵۰ دلار در هر بشکه طی ۱۲ ماه افزایش یافت و صف‌های طولانی یکبار دیگر در پمپ بنزین‌ها ظاهر شد، همانند بحران نفتی سال ۱۹۷۳ سیاست جهانی و توازن قدرت بار دیگر تحت تأثیر قرار گرفت و اوپک تأثیر خود را از دست داد.

در ۱۹۸۰، به دنبال جنگ ایران و عراق، تولید نفت در ایران تقریباً متوقف شد و تولید نفت عراق شدیداً کاهش یافت. بعد از ۱۹۸۰، قیمت‌های نفت شروع به نزول بیست ساله کرد و در نهایت در سال‌های دهه ۹۰ تا ۶۰

^۱ - <https://www.eghtesadonline.com/9/438916->

^۲ - شامل اعضای عربی اوپک و همچنین کشورهای سوریه و مصر می‌شوند.

در صد دچار افت قیمت شد. صادرکنندگان نفت مثل مکزیک، نیجریه، و ونزوئلا تولید را گسترش دادند؛ اتحاد جماهیر شوروی تبدیل به تولیدکننده برتر جهان شد و نفت دریای شمال و آلاسکا به سمت بازار سرازیر شد. بحران اقتصادی سال‌های دهه ۸۰ آمریکا باعث شد که قیمت نفت تا میانه‌های دهه ۸۰ به شرایط قبل از بحران برنگردد.

وجه تمایز دو بحران نفتی گذشته با بحران نفتی ۲۰۲۰

منطقه خلیج فارس که غنی از ذخایر فراوان نفتی است، به اعتبار اینکه مهم‌ترین منطقه حیاتی برای اقتصاد آمریکا و جهان است و چرخ اقتصاد آمریکا بر پایه آن می‌چرخد، محل نفوذ غرب بوده و حتی واشنگتن توافق‌های اقتصادی و نظامی را برای دفاع از منافع اقتصادی خود در این منطقه امضا کرده است. وضعیت در این منطقه بسیار مهم و حیاتی، بر همین منوال بود تا اینکه پیشرفت تکنولوژی آمریکا در بحث "فراکینگ" در سال ۲۰۱۴ بسیاری از معادله‌های اقتصادی و استراتژیک و به تبع آن، استراتژی‌های سیاسی این کشور را تغییر داد و شرکت‌های نفتی آمریکا به تکنولوژی استخراج نفت شیل روی آوردند و بر این اساس قیمت نفت از مرز بشکه‌ای ۱۰۰ دلار عبور کرد.

از اینجا بود که انقلاب نفت شیل در آمریکا که حاوی ذخیره زیادی از این نوع نفت در لایه‌های زمینی است، آغاز شد. با گذشت نزدیک به یک دهه از اکتشاف این نوع نفت، و پیشرفت تکنولوژی استخراج آن هزینه تولید هر بشکه نفت شیل به تدریج کاهش یافت و حتی احتمال کمتر از ۱۰ دلار نیز پیش بینی شده بود. بر این اساس آمریکا طی دو سال اخیر در نفت خود کفا شد و به منبع رقابت در بازارهای جهانی نفت خام در کنار روسیه و کشورهای عضو اوپک تبدیل شد.

این موضوع در بحران نفتی اخیر بین روسیه و عربستان که آمریکا برای نخستین بار نقش میانجی را بازی می‌کرد، کاملاً مشخص است. گویی آمریکا خود را به عنوان بازیگر مهم و جدیدی در بازار صادرات نفت جهان معرفی می‌کند اما این مداخله آمریکا زمانی صورت گرفت که قیمت جهانی نفت خام سقوط کرد.

از این رو به نظر می‌رسد مهم‌ترین وجه متمایز بحران‌های قبلی با بحران اخیر در این باشد که؛ دو بحران نفتی سال ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ برآیندی از "رویدادها و تحولات منطقه‌ای در زمان و مکان مشخص" بوده‌اند؛ اما بحران نفتی ۲۰۲۰ هر چند شیوع کرونا تشدید کننده آن بود، اما "یکجانبه‌گرایی کاخ سفید" در "تولید انبوه نفت" با "روشی نامتعارف" و "نفتی نامرغوب" عاملی مهم تر بود. بحرانی که هر چند در کوتاه مدت به ضرر آمریکا تمام شد اما چه بسا شرایطی مطلوب را برای آینده انرژی این کشور که همواره از آن به عنوان یک "سلاح سیاسی" استفاده می‌کند، در پی خواهد داشت.

اگرچه کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی می‌تواند سبب کاهش نرخ بهره‌وری تولید نفت شیل در آمریکا شود، اما افزایش تولید برای دولت ترامپ مزایای زیادی دارد، زیرا از یک سو می‌تواند ترامپ را برای دستیابی به وعده‌های انتخاباتی‌اش یاری دهد و از سوی دیگر به کنترل بازارهای جهانی از سوی آمریکا منجر خواهد شد.

دولت امریکا به هیچ وجه قصد ندارد همچون گذشته نقش یک مصرف‌کننده صرف را در بازارهای جهانی داشته باشد، بلکه ورود به عرصه تولید و صادرات نه تنها این کشور را از بحران‌های احتمالی انرژی در جهان مصون نگه می‌دارد، بلکه می‌تواند به عاملی برای کنترل شرکا و رقبای واشنگتن بدل شود. به عنوان مثال امریکا با ورود چشمگیر به بازار صادرات نفت می‌تواند بر سیاست‌های انرژی کشورهای اروپایی، روسیه، چین و عربستان سعودی و دیگر کشورهای نفتی تاثیرگذار باشد.¹

بازیگران نفت و گاز

نفت و گاز به عنوان مهمترین منابع انرژی در جهان امروز نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد کشورهای ایفا می‌کند و همین مهم سبب شده تا کشورها به عنوان ابزاری برای نفوذ و گسترش قدرت از آن استفاده کنند. در حالی که برخی از کشورهای تولیدکننده نقش نفت و گاز را به عنوان یک ابزار در سیاست خارجی خویش نهادینه کرده‌اند، از طرفی "تازه واردان" و به عبارتی "اخلالگران بازار انرژی" از آن به عنوان سلاح سیاسی استفاده می‌کنند.

هر چند در حوزه انرژی بازیگران متعددی چون؛



وجود دارند، اما واشنگتن در صدد است که همچنان با اتخاذ "سیاست یکجانبه‌گرایی" و با رویکرد "زیاده خواهی" که مدتهاست سیاست این کشور است، این عرصه را از آن خود کرده و سلطه خود را بر این بازار مستولی کند.

¹ - <https://www.shana.ir/news/282230>

بزرگترین ذخایر نفتی جهان



1- ونزوئلا

ونزوئلا با کشف ذخایر عظیم «ماسه های نفتی» مشابه آنچه در کانادا یافت می شود، توانست خود را به صدر فهرست دارندگان نفت جهان برساند. قیرهای نفتی موجود در رودخانه «اوروندی» ونزوئلا میزان چسبندگی کمتری نسبت به ماسه های نفتی کانادا دارد، لذا ماسه های نفتی این ناحیه به روش های معمول قابل استخراج هستند که در مقایسه با ذخایر نفتی کانادا بسیار کم هزینه تر و راحت تر قابل دستیابی است.

2- عربستان

این کشور با فاصله زیادی از ونزوئلا، دیگر مالک بزرگترین ذخایر نفتی دنیاست. البته گفته می شود که این کشور ذخایر کشف نشده بسیاری دارد. گفتنی است نفت عربستان بسیار قابل دسترس است.

3- کانادا

تا اواخر سال ۲۰۱۴، کانادا ۱۷۲/۹ میلیارد بشکه نفت در اختیار داشت که مقدار زیادی از آن در قالب ذخایر «ماسه های نفتی» در استان «آلبرتا» است. «ماسه های نفتی» یا «ماسه های قیردار» نوعی منبع نفت غیرمتعارف است که یا به صورت ماسه های آزاد و یا به صورت سنگ های سفت شده ای از مخلوط ماسه، گل رس، آب و قیر^۱ یافت می شود.

^۱ - نفت بسیار سنگین و با گرانبوی بسیار بالاتر از نفت معمول

۴- ایران

جمهوری اسلامی ایران پس از ونزوئلا و عربستان، بیشترین ذخایر نفتی قابل دسترس را دارد، بدین معنا که استخراج آن بسیار ساده است. ایران با میزان استخراج کنونی تا ۱۰۰ سال دیگر نفت خواهد داشت و بر خلاف عربستان که ذخایر آن در چند میدان بزرگ پخش شده، نفت ایران در ۱۵۰ میدان نفتی مختلف قرار دارد که بسیاری هم دارای نفت خام و گاز طبیعی است.

۵- عراق

هر چند در عراق به دلیل نا بسامانی های سیاسی طی سال های گذشته، کاوشی معنادار برای استخراج صورت نگرفته، لیکن امید است که با وجود ثبات نسبی، توسعه هایی برای زیر ساخت های نفتی صورت گیرد.

۶- کویت

بیش از ۵ میلیارد بشکه از ذخایر نفتی کویت در ناحیه بی طرف «سعودی - کویتی» قرار دارد و بیش از ۷۰ میلیارد بشکه نفت از میدان نفتی «برقان»، دومین میدان نفتی بزرگ جهان به دست می آید.

۷- روسیه

روسیه کشوری است سرشار از منابع طبیعی نفت و گاز که مهم ترین آن در منطقه سبیری است. روسیه با کاوش ها در میان آبها و یخ های قطب شمال درصدد افزایش استخراج این منابع انرژی است. مسکو در شمالگان^۱ در حال سرمایه گذاری است. تخمین زده شده است که یک سوم ذخایر نفت و گاز دنیا در شمالگان قرار دارد.

۸- امارات متحده عربی

امارات بیشترین نفت خود را از «میدان نفتی زاکوم» به دست می آورد. این میدان پس از میدان های نفتی «غوار» در عربستان و «برقان» در کویت، سومین میدان نفتی بزرگ منطقه محسوب می شود. تقریباً ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی امارات از استخراج نفت حاصل می شود. کشف نفت از سال ۱۹۵۸ تاکنون، موجب رشد همه جانبه این کشور شده است.

۹- لیبی

لیبی با رقابتی تنگاتنگ با نیجریه، بزرگ ترین ذخایر نفت آفریقا را دارد که در سطح جهانی دهمین کشور جهان است.

^۱ - شمال گان به مناطق شمالی کره زمین گفته می شود.

لیبی پتانسیل بالایی در داشتن سوخت های فسیلی دارد اما بی ثباتی های اخیر و تحریم های نفتی از عوامل بازدارنده در این راه است.

۱۰- نیجریه

هر چند لیبی ذخایر نفت بیشتری نسبت به نیجریه دارد اما این کشور بزرگترین تولید کننده نفت آفریقا و دهمین تولید کننده بزرگ جهان است. عوامل مانند تخریب سوله های نفتی، آدم ربایی و تصاحب تأسیسات نفتی توسط طالبان، موجب کاهش تولید نفت و گاز نیجریه شده است. صنعت نفت حدود ۱۴ درصد از اقتصاد این کشور را تشکیل می دهد.

۱۱- آمریکا

میزان ذخایر نفتی آمریکا طی چند سال گذشته به دلیل اتخاذ روش های نوین استخراج نفت، بسیار افزایش یافته است. آمریکا اکنون قادر به استخراج نفت و گاز مناطقی است که در گذشته میسر نبود. آمریکا به وسیله روش های «شکست هیدرولیگی» و «حفاری جهت دار» در سال ۲۰۱۲ توانست برای اولین بار پس از سال ۱۹۷۵ به ۳۶ میلیارد بشکه دست یابد. با این حال، ذخایر نفتی این کشور در مقابل ذخایر کشورهایمانند ونزوئلا، عربستان و کانادا بسیار ناچیز است.^۱

ردیف	کشور	میلیارد بشکه
۱	ونزوئلا	۲۹۸/۴
۲	عربستان سعودی	۲۶۸/۳
۳	کانادا	۱۷۱
۴	ایران	۱۵۷/۸
۵	عراق	۱۴۴/۲
۶	کویت	۱۰۴
۷	روسیه	۱۰۳/۲
۸	امارات متحده عربی	۹۷/۸
۹	لیبی	۴۸/۳۶
۱۰	نیجریه	۳۷/۰۷
۱۱	آمریکا	۳۶/۵۲

آمار استخراج شده: <https://www.ajibtarin.com>

^۱<https://www.ajibtarin.com/statistics/29893>

ونزوئلا و پالایشگاه های خاموش

درباره ونزوئلا، اولین دارنده نفت، باید به نکاتی اشاره کرد که مهم ترین آن، تحریم های آمریکا علیه این کشور است.

هر چند که ونزوئلا یک کشور صادرکننده نفت محسوب می شود اما در گذشته بیشتر مواد مورد نیاز برای فرآوری نفت خام ونزوئلا توسط شرکت های آمریکایی تامین می شد. بنزین تولید شده توسط ونزوئلا به دلیل از کار افتادن بیشتر واحدهای آلکیلاسیون، دارای اکتان پایینی می باشد و شرکت های نفتی به دلیل تحریم های آمریکا از ارائه خدمات و فرآورده های نفتی به صنعت نفت ونزوئلا خودداری می کنند و عملاً پالایشگاه های نفت در ونزوئلا از کار افتاده اند. در حال حاضر به دلیل تحریم های سنگین نفتی و مالی آمریکا که باعث از کار افتادن پالایشگاه ها و قطع دسترسی ونزوئلا به بازار نفت آمریکا و حتی سیستم مالی آمریکا شده است؛ فقط حدود ۱۰ درصد از ظرفیت ۱,۳ میلیون بشکه در روز ونزوئلا مورد بهره برداری قرار می گیرد.

اما صادرات فرآورده های نفتی ایران و آلکیلات به ونزوئلا و همچنین تجهیزات کاتالیزورهایی که اخیراً به ونزوئلا صادر شد^۱ در بلندمدت به این کشور کمک خواهد کرد تا پالایشگاه های خود را با توان بیشتری راه اندازی کند^۲ و از آن جهت که عضو اوپک و صادرکننده نفت است، تولید بنزین و سایر فرآورده ها را مجدداً آغاز خواهد کرد. همچنین با بالا بردن اکتان، خواهد توانست که کیفیت سوخت تولیدی خود را افزایش دهد. این در حالی است که محموله سنگین بنزین ارسالی به ونزوئلا در کوتاه مدت، نیازهای این کشور را برطرف خواهد کرد.

در خصوص تحریم های مالی نیز باید اشاره کرد که آمریکا تمام حساب های مالی ونزوئلا را بلوکه کرده و بر خلاف قوانین بین المللی کنترل حساب های بانک ونزوئلا در آمریکا را در اختیار رئیس جمهور غیرقانونی و دست نشانده خود یعنی "خوان گایدو" قرار داده است. از طرف دیگر بانک های اروپایی نیز از سیاست آمریکا تبعیت کرده و تراکنش های مالی ونزوئلا را بلوکه کرده اند.

بنابراین با توجه به عدم دسترسی ونزوئلا به حساب های خود، سوئیفت و یا هرگونه سیستم پرداخت مالی دیگر، این کشور نمی تواند در هیچ زمینه ای اقدام به خرید کند و حتی اگر چنین کاری هم انجام شود، آمریکا تراکنش ها را در اختیار خوان گایدو قرار خواهد داد!

از این رو تنها کشوری که می تواند به ونزوئلا کمک کند و خود نیز تحت تحریم است، جمهوری اسلامی ایران است. زیرا در چنین معامله ای نیاز به تراکنش مالی بین دو کشور وجود ندارد و عملاً تحریم های آمریکا هیچ تاثیری بر روی این عملیات ندارد.^۳

^۱ - نکته مهم اینست که نفتکش های اعزامی به ونزوئلا تنها با خود سوخت به ونزوئلا نبرند، بلکه کاتالیست و لوازم و قطعات مورد نیاز جهت تولید بنزین با این تانکرها به این کشور اعزام شده است. صنعت نفت ونزوئلا به زودی از دست لیبرال ها خارج می شود.

^۲ - کارشناسان بر این باورند که دانش متخصصان ایرانی می تواند تا انحصر تعمیر و نگهداری و ساخت و تهیه قطعات توسط شرکت های غربی در ونزوئلا را بشکند. این دانش از امروز در خدمت کشورهای مختلف دنیا قرار می گیرد تا در مقابل تحریم های غیر انسانی آمریکا مقاومت کنند.

^۳ - www.naftnews.net

هدف اصلی واشنگتن از سیاست‌های اعمالی در جنگ نفتی

اقدام رئیس جمهور آمریکا در اعمال فشار حداکثری بر ایران جدای از اختلافات با ایران، نمایشی جذاب برای لابی‌های قدرتمند رژیم صهیونیستی در آمریکا نیز می‌باشد چرا که او در تلاش است تا در دور دوم انتخابات نشان دهد که یک رئیس جمهور قدرتمند است که به اصطلاح از امنیت رژیم اسرائیل در برابر ایران دفاع می‌کند و این‌گونه حمایت لابی‌های قدرتمند رژیم صهیونیستی را در دومین مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا در ۲۰۲۰ به سمت خود جلب کند.

هرچند آمریکایی‌ها هدف از تحریم نفتی علیه ایران را از یک سو به صفر رساندن صادرات نفت کشورمان به منظور کاهش درآمدهای دولت و از دیگر سو دفاع از امنیت رژیم اسرائیل در برابر ایران اعلام کردند، اما سیاست‌های اعمالی این کشور به‌ویژه در سال‌های اخیر حکایت از آن دارد که واشنگتن اهداف دیگری برای تحریم نفتی کشورهایمانند ایران، روسیه و ونزوئلا در سر می‌پروراند.

هر چند آمریکا قویاً دو هدف بالا را در دستور کار خود دارد، لیکن مسلم است که واشنگتن هدف راهبردی تری را در مقوله انرژی دنبال می‌کند. لذا از این منظر مهمترین هدف آمریکا را می‌توان سلطه بر انرژی جهان و کنترل آن بر تامین نفت و گاز جهان، قیمت‌ها و خطوط تجارت نفت، ارزیابی کرد. اما دستیابی به این اهداف راحت نیست، چون تصمیم برای خشکاندن درآمد نفتی کشورهای بزرگ تولید کننده نفت چون ایران، روسیه و ونزوئلا، جدای از آن که می‌تواند به منافع واردکنندگان نفت خام چون اروپا و چین، آسیب برساند، نگرانی‌هایی را هم برای واشنگتن به همراه داشته و خواهد داشت.^۱

سیاست سلطه انرژی

آمریکا ظرف دو سال یعنی در فاصله جولای ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، میزان تولید نفت روزانه خود را ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه افزایش داد و بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت پس از روسیه با بیش از ۱۱ میلیون بشکه در روز و عربستان با بیش از ۹ میلیون بشکه در روز، شد.

در واقع آمریکا به دنبال یافتن بازارهای جدید صادرات برای فروش نفت شل خود به خصوص در بازارهای آسیا بود که در مقایسه با بازارهای اروپایی از رشد سریع‌تری برخوردار است، بنابراین، ترامپ مصر است تا سهم صادرات نفت ایران و روسیه در آسیا را به خود اختصاص داده و آن‌ها را به شرکت‌های نفت شیل آمریکایی بدهد.^۲

"سیاست سلطه انرژی" عنوان سیاستی است که دولت ترامپ در بحث انرژی در قبال روسیه و دیگر کشورهای بزرگ نفتی که با واشنگتن زاویه دارند، اعمال می‌کند. کاخ سفید در این راستا در یک چارچوب کلی تر با توجه

^۱ - برگرفته از: <https://www.irna.ir/news/83757696/>

^۲ - <https://www.irna.ir/news/83757696>

به اصل حمایت‌گرایی اقتصادی تلاش زیادی می‌کند تا از بخش‌های اقتصادی آمریکا، هم برای افزایش و ایجاد اشتغال در داخل آمریکا و هم برای سرمایه‌گذاری در خارج از آمریکا حمایت کند. در بحث انرژی ترامپ قوانین مربوط به شرکت‌های نفتی آمریکایی را تخفیف داده تا بدین ترتیب صادرات نفت و گاز را به کشورهای متحد و شریک آمریکا افزایش دهد. این اقدام در واقع انقلابی در زمینه استخراج نفت و گاز، به نام نفت و گاز شیل یا صخره‌ای^۱ است. در این شیوه استخراج غیر اقتصادی که قبلاً هم وجود داشت و تکنولوژی‌های مربوط به آن، توسعه هم پیدا نکرده بودند، از طریق تزریق آب و از لایه‌های صخره‌ای زمین، نفت و گاز بیرون کشیده می‌شود. این مسئله نه تنها مضرات زیست محیطی بسیار زیادی دارد، همچنین تا قبل از افزایش اخیر قیمت نفت، به دلیل هزینه‌های بسیار بالا غیراقتصادی نیز محسوب می‌شد. لذا در نفت شیل فاصله هزینه و سود چندان زیاد نیست. به همین دلیل بعد از بحران نفتی ۲۰۱۵ و کاهش شدید بهای نفت، گفته شد که برای خیلی از شرکت‌های تولید کننده نفت و گاز شیل صرفه اقتصادی ندارد. اما آمریکایی‌ها عملاً با سرمایه‌گذاری جدی و گسترده در در این حوزه به بزرگترین تولید کننده نفت در جهان تبدیل شده‌اند. تا جایی که دو سال پیش اولین محموله نفتی خود را صادر کرده و هم اکنون روزانه تا بیش از ۱۲ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند. در مورد گاز هم آمریکایی‌ها تلاش مشابهی را در پیش گرفته‌اند و تلاش می‌کنند که به یکی از صادرکنندگان اصلی گاز تبدیل شوند.^۲

مقامات آمریکایی قبل از آن همواره دو گام را به طور موازی برای استیلا بر ذخایر انرژی جهان بر می‌دارد؛

تسخیر ذخایر نفتی به اصطلاح متحدین خود مانند عربستان

اعمال تحریم‌های گوناگون علیه کشورهای مستقل از آمریکا چون ایران، روسیه، ونزوئلا

استخراج‌های نامتعارف و ذخیره کردن نفت نامرغوب از طرق گوناگون و ایجاد اختلال در بازار

گام سوم این اقدام هم از زمانی آغاز شد که بهره بردای حاشیه دار و بحث برانگیز "فراکینگ" در دستور کار مقامات آمریکایی قرار گرفت.

۳ نگرانی اصلی واشنگتن در حوزه انرژی

۱. طبق برآوردهای صورت گرفته تولیدکنندگان گاز شیل در آمریکا صرفاً تا ۱۰ سال آینده قادر خواهند بود که گاز را تأمین کنند در حالی که طبق برآوردها روسیه تا ۵۰ سال دیگر قادر خواهد بود که گاز اروپا را تأمین کند.

۱ - استخراج این گاز و نفت که در سنگ‌ها و صخره‌های رسوبی وجود دارد، با روشی موسوم به روش «شکست هیدرولیکی» یا «فراکینگ» (fracking) صورت می‌گیرد.

۲ - نشست کارشناسی؛ با حضور جناب آقای دکتر میرطاهر کارشناس مسائل راهبرد با موضوع "تقابل روسیه و آمریکا در حوزه انرژی اروپا"، ۹۸/۴/۳۱، موجود در اداره پژوهش واحد مرکزی خیر

البته گفتنی است که این آمار بر اساس برآوردهای کنونی است و چه بسا در آینده ذخایر نفت و گاز جدیدی کشف شود؛ به ویژه آنکه مسکو در شمالگان در حال سرمایه‌گذاری است. برآوردها حاکی از آن است که یک سوم ذخایر نفت و گاز دنیا در شمالگان قرار دارد و باید در نظر داشت که روسیه هم مدعی این ذخایر است و با همکاری کمپانی‌های بزرگ دنیا برای استخراج نفت و گاز در این منطقه، تلاش جدی دارد. لذا چه بسا ذخایر انرژی مسکو خیلی بیش از پنجاه سال آینده نیز پابرجا باشد.

۲. به گاز و نفت صادراتی آمریکا، "نفت و گاز نامتعارف" گفته می‌شود. ایران و عربستان به دلیل افزایش نفت سبک، نفت و گاز متعارف دارند. یعنی بطور طبیعی از حوزه‌های نفتی، نفت استخراج می‌کنند. در حالی که در فرآیند نفت و گاز شیل یک فرایند شیمیایی - فیزیکی طی شود و یک نفت و گازی را از صخره‌ها (نفت و گاز صخره‌ای) به دست می‌آید که به آن "نامتعارف" گویند چرا که "نامرغوب" است.

۳. هم اکنون مشخص شده است که نفت و گازی که در آمریکا تولید و صادر می‌شود، سمی است. سولفید هیدروژن آن بسیار بالا و تا حدود ۳۰۰ برابر بیشتر از حد مشخص شده است.^۱

جمع بندی

پس از تحریم‌های یکجانبه گرایانه و شکنگتن علیه تهران که میزان صادرات نفت کشور را به شکل قابل توجهی کاهش داده و تبعات سنگینی را بر ملت ایران وارد کرد، حال نوبت به کاراکاس رسید تا در تیررس این تحریم‌های ظالمانه قرار بگیرد. اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (اوفک) بخش تجاری شرکت روس نفت^۲ روسیه را به علت همکاری با بخش نفتی ونزوئلا تحریم کرد^۳. این دومینوی تحریم‌ها علیه کشورهایی که در بازی آمریکا شرکت نمی‌کنند، در واقع حاکی از آن است که ترامپ برای رسیدن به "استیلا بر بازارهای جهانی انرژی"، بسیار عجول است و موضوعات اساسی در این عرصه همچون؛ "بازیگران سنتی بازار انرژی"؛ "وضع بازار جهانی نفت"، "دورنمای توسعه قیمت‌ها" و "مسائل زیست محیطی" را نادیده می‌انگارد.

از دیدگاه مقامات مسکو، تحریم‌هایی که آمریکا علیه روسیه در زمینه‌های تسلیحاتی و انرژی اعمال می‌کند، جدای از دلایل اعلانی، دلایل دیگری هم دارد. «سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه در این زمینه تأکید دارد که: «تحریم‌های واشنگتن علیه مسکو با هدف بیرون راندن روسیه از بازارهای تسلیحاتی و انرژی در جهان صورت می‌گیرد... آمریکا قصد دارد هر چه بیشتر جای پای خود را در اقتصاد و انرژی اروپا مستحکم تر کند تا

^۱ - نشست کارشناسی؛ پیشین

^۲ - گفتنی است پس از این اقدام آمریکا، پی‌دی‌وی‌اس‌ای، شرکت ملی نفت ونزوئلا، اعلام کرد که؛ تحریم‌های ضد روس نفت نقض قوانین تجارت آزاد است و در راستای تلاش آمریکا برای کنترل بازار نفت جهانی صورت گرفته است. این شرکت همچنین اعلام کرد که در دادگاه جرایم بین‌المللی از آمریکا به علت این تحریم‌ها شکایت خواهد کرد.

^۳ - <https://donya-e-eqtasad.com/86-62/3627580>

بدین ترتیب پروژه‌های مشترک روسیه و اروپا را در بخش انرژی تحت‌الشعاع قرار بدهد و روسیه را از بازار انرژی اروپا بیرون براند»^۱.

این یکجانبه‌گرایی و زیاده‌خواهی آمریکا، منجر به "رونمایی از استراتژی‌های جدید" برای کشورهای هدف، شده است، تا با اتخاذ این راهبردها هم آلت‌رناتیوهای گوناگونی در قبال مسائلی چون تحریم‌های آمریکا داشته باشند و هم از وابستگی‌های نفتی و گازی در عرصه بین‌المللی بکاهند. اقدام جمهوری اسلامی در اعزام ۵ فروند نفت کش ایرانی به حیات خلوت آمریکا، در واقع رونمایی یکی از این استراتژی‌هاست.^۲ بی‌تردید ارسال کمک‌های نفتی ایران به ونزوئلا، آغازگر یک سری از اتفاقات مهم خواهد بود که گذر زمان تبعات آن را نشان خواهد داد. تبعاتی که برای مخلان بازار انرژی خوشایند نخواهد بود.

کلام آخر

آمریکا سال‌هاست که از نفت به عنوان سلاح استفاده کرده و ورود به جرگه تولیدکنندگان حوزه انرژی نفت و گاز هم با هدف تأثیرگذاری حداکثری در این زمینه بوده و هست. اما مقامات کاخ سفید دو مهم را فراموش کرده‌اند:

۱. "نامرغوب بودن"، "نامتعارف بودن" و "محدود بودن مدت زمان بهره‌برداری از آن"، سه چالش بزرگی است که آمریکایی‌ها در زمینه انرژی نفت و گاز با آن مواجه هستند.
۲. در عرصه انرژی نفت و گاز کشورهای نفتی، نهادهای بین‌المللی نفتی، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و ... هستند که هر کدام می‌توانند تبدیل به بازیگران قدری در مواجهه و مقابله با زیاده‌خواهی تازه واردان بازار شوند و با اتخاذ استراتژی "گفتمان مقاومت فعال" بیش از پیش تأثیرگذار باشند.

^۱ -<https://www.irna.ir/news/82714924>

^{۲۲} - هیچ یک از تانکرهای نفتی ایران به مقصد ونزوئلا سامانه GPS خود را خاموش نکرده‌اند، این پیام روشنی دارد، آمریکایی‌ها تا کنون دست از پا خطا نکرده‌اند، ایران با "گفتمان مقاومت" در مقابله و مواجهه با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکاست.